

مخاطب، نقطه کانونی است

نگاهی به هنر شهری در جهان با تاکید بر سالانه بهارستان

نارسیس سهرابی*

همچنین در سنت فرانسوی، هنر عمومی موضع خود را با توجه به آنچه که سرمایه‌گذارها به آن مشروعیت می‌بخشند، تعیین می‌کند. اکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که جایگاه آثار هنری ارائه‌شده در بی‌ینال‌ها، سالانه‌ها و جشنواره‌هایی که در ایران برگزار می‌شود، کجاست؟

برگزاری طرح بهارستان در سال ۹۵، می‌تواند حساسیت یک پژوهشگر هنرهای شهری در خصوص فستیوال‌های هنر شهری در کشورهای مختلف را برانگیزد. آثار هنر عمومی معاصر به‌طور کلی در دو گروه بررسی می‌شوند. دسته اول پروژه‌هایی در مقیاس بزرگ که عموماً به بزرگداشت اشخاص یا رویدادهای مهم اختصاص دارند؛ و دسته دوم چیدمان‌های کوتاه مدتی که در فضاهای باز قرار می‌گیرند. آثار گروه دوم به لحاظ زیباشناختی، شیوه‌ای بین‌ارج‌نهادن به آثار گذشته و باز نمود شرایط کنونی تلقی می‌شوند. این آثار با توجه به نیازها، شرایط و امکانات موجود، نسبت به شرایط فرهنگی و محیطی هر کشوری متفاوت هستند. این‌گونه آثار، به‌عنوان رویداد کوتاه‌مدتی که حضور پررنگی در سطح شهر دارند، در جلب نظر مردم و تاثیرگذاری فرهنگی دارای رسالتی همگانی هستند.

از نگاه منتقد هنری، لورنس لوی، برای مجسمه عمومی بیش از یک مکان در فضای عمومی ضرورت دارد. به اعتقاد وی، اثر فقط در صورتی ممکن است ایده‌ها و ارزش‌ها را به مخاطب منتقل کند که مخاطب قادر به درک زبان تجسمی آن باشد. به عبارتی، هدف هنر عمومی موفقیت در پدید آوردن یک نقطه کانونی برای هر مخاطب است. در ساماندهی فضاهای عمومی شهر تهران، فضایی برای نصب و یا اجرای هنر عمومی در نظر گرفته نشده

جشنواره هنر شهری بهارستان، به بهانه نوروز و آغاز سال نو در اواخر اسفندماه در سطح شهر تهران اجرا شد. بهار امسال، دومین تجربه شهرداری تهران و سازمان زیباسازی در برگزاری جشنواره بهارستان محسوب می‌شود. در سال‌های گذشته، سازمان زیباسازی جسته‌وگریخته به نصب آثار، تخم‌مرغ‌های رنگی و نقاشی دیواری در سطح تهران پرداخته است. سال ۹۵ به‌طور خاص آثار هنری در طول خیابان ولیعصر قرار گرفتند و نقاشی‌های دیواری در سطح شهر. امسال با توجه به گستردگی جشنواره و تجارب سال‌های پیش، آثار هنری نسبت به سال‌های گذشته از کیفیت بهتری برخوردار بودند.

یکی از اهداف مهم نصب هنرهای موقت شهری، ایجاد تغییر در نگاه عمومی مردم به زیبایی‌شناسی فضاهای شهری است. با توجه به اینکه منابع عمومی و محیط‌زیست محور پنهان بسیاری از آثار شهری موقت در جهان محسوب می‌شود، جای پرسش است که چرا چنین رویکردی نسبت به آثار نصب‌شده در این فستیوال ایرانی کمتر در نظر گرفته شده است. در واقع این آثار هنری با تجسم نشانه‌هایی فرهنگی، مخاطب مورد نظر خود را مورد هدف قرار می‌دهند.

تدارک یک اثر عمومی، فرایندی است که مجموعه‌ای نمادین از سرمایه‌گذار، سازنده و تماشاگر اثر را تشکیل می‌دهد. این مجموعه سه‌گانه نوعی بدنه و پیکره کارآمد و ضروری را پدید می‌آورد، که هم شرایط واقعی این پیکره را محدود می‌سازد و هم پاسخ‌دهنده تعهد آن در قبال مفهوم اثر است. هدف هنر عام‌پسند مردمی این است که تماشاگر را آگاه سازد که این هنر به مردم تعلق دارد و به این شکل به آن‌ها کمک می‌کند تا جریان‌های تأثیرگذار جهانی در حوزه‌های مختلف را درک کنند. حال این پرسش قابل طرح است که جشنواره هنر شهری بهارستان در این میان چه نقشی دارد؟

در فرانسه، و به‌طور کلی در اروپا، دولت‌ها توانایی و قابلیت‌هایی دارند که شهروندان را در اداره فضای شهری به مشارکت دعوت می‌کنند و این چنین بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در امریکای شمالی، فضای متعلق به مجموعه‌های عمومی را الزاماً سازمان‌های اداری عمومی مدیریت نمی‌کنند، بلکه نهادها یا افراد جامعه اداره آن را به‌عهده می‌گیرند. به این ترتیب، شمار زیادی از فضاها و سازه‌هایی که به هنر عمومی اختصاص یافته‌اند، توسط سرمایه‌گذارها و بخش‌های خصوصی مختلف تامین بودجه می‌شوند.

دو شیوه آمریکایی و اروپایی در مدیریت فضای عمومی، دو سنت سیاسی متفاوت را آشکار می‌سازد: در فرانسه، دولت منفعت عمومی را عینیت می‌بخشد، حال آنکه در امریکا این مفهوم به بحث و مجادله گذاشته می‌شود و از منظر برخی ممکن است تحت تأثیر سیاست‌های متضاد قرار بگیرد.

است. فضای حاشیه تندروهای شهری و یا فضای سبز حاشیه بزرگراه‌ها، و به‌طور کلی فضاهایی که از نظر سکون و توقف شهروندان از اهمیت کمتری برخوردارند، برای نصب آثار موقت مناسب نیستند؛ اما در این جشنواره نمونه‌های متعددی از این قبیل نصب شده است.

آثار این جشنواره هنری به‌جای اینکه به‌درستی با کیفیت‌های خاص محیط فیزیکی و اجتماعی خود ارتباط برقرار کنند، تبدیل به منظری بی‌اهمیت و غیرجدی شده‌اند و بین تماشاگر و فضای پیرامون وی رابطه‌ای پویا برقرار نمی‌کند. کامرون کارتیر^۱، پژوهشگر حوزه هنر شهری، با دیدگاه آنگلو ساکسونی خود و به شکلی ملموس، در مورد ارائه این‌گونه آثار اشاره می‌کند که آیا آثار هنری شهری منفعت عمومی برای جامعه دارند یا برعکس، شهروندان به این آثار توجه کرده و از آن‌ها متأثر می‌شوند. آیا مردم به‌عنوان بخشی از یک فضای عمومی به آن توجه می‌کنند؟ و یا اینکه سرمایه آن را مردم تأمین کرده‌اند؟

۴۵ درصد از مجسمه‌هایی که اکنون در فرانسه دیده می‌شود، بین سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۶۱؛ و ۲۵ درصد از مجسمه‌های فعلی بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ ساخته شده‌اند. امروزه ارائه آثار هنری در شهر از نظم بسیاری برخوردار بوده و نصب آثار حتی به‌صورت موقت هم بسیار محدود، سنجیده و با احتیاط است. چراکه اکنون حساسیت نهادهای مرتبط با این حوزه، از مخاطبان تا مسئولان و منتقدان هنری، بیش از گذشته نصب یک اثر هنر شهری را به موضوعی چالشی و بحث‌برانگیز تبدیل کرده است. همان‌طور که در جشنواره بهارستان نیز، طرح مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در آثار هنری، دغدغه و چالش‌هایی پیش روی تصمیم‌گیران و برگزارکنندگان جشنواره قرار داده است.

* دکترای شهرسازی، پژوهشگر هنرهای شهری و محقق دانشگاه پاریس ۱۰ پی‌نوشت

۱. Laurence Alloway / ۲. Cameron Cartier.

مهری شاپوری‌فرد



ویژه دومین سالانه هنرهای شهری بهارستان
اسفند ۱۳۹۵ - فروردین ۱۳۹۶

دبیر ویژه‌نامه: مهرنوش علی‌مددی

با تشکر از: سیدمجتبی موسوی و همکاران ایشان در معاونت فرهنگی و هنرهای شهری سازمان زیباسازی شهر تهران.
امیر حسین صریحی و سیما جعفری.

